



Compensation for Damages Sustained by a Negligent Victim in Traffic Accidents: A Jurisprudential and Legal Analysis*

Esmaeil Aghababaei Beni 

Associate Professor, Department of Jurisprudential and Legal Issues, Islamic Sciences and Culture Academy, Research Center for Jurisprudence and Law, Qom, Iran.
Aghababaei@isca.ac.ir




Abstract

Personal injuries and property losses resulting from traffic accidents encompass a wide range of damages. In addition to compensation by the tortfeasor or insurance providers, there are circumstances such as the absence or expiration of an insurance policy, the escape or non-identification of the person responsible for the accident, the absence of driver fault, or the occurrence of force majeure events, in which compensation for victims cannot be disregarded due to social necessities. Expanding governmental responsibility through assigning liability to the public treasury (*Bayt al-Mal*), or imposing responsibility on insurance companies and the Traffic Accident Compensation Fund, represents one of the contemporary approaches to the development of civil liability. Legal regulations have likewise sought to support victims, to the extent that even a negligent victim remains entitled to compensation unless the damage was intentionally self-inflicted. Although a maximalist approach to victim

* Aghababaei Beni, E. (2026). Compensation for damages sustained by a negligent victim in traffic accidents: A jurisprudential and legal analysis. *Fiqh*, 33(1), 87-109.

<https://doi.org/10.22081/jf.2026.69852.2841>

 **Article Type:** Research; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy

 **Received:** 2024/09/07 •  **Revised:** 2025/10/27 •  **Accepted:** 2025/12/31 •  **Online Publication:** 2026/03/29

© 2026

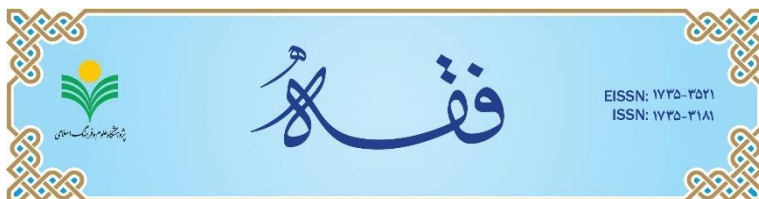
authors retain the copyright and full publishing rights



compensation has not been explicitly articulated in Islamic jurisprudence or in regulations derived directly from it, and although fault has sometimes been regarded as a ground for exempting liability, other legal provisions, in response to social needs, have endorsed compensation for victims even where negligence is present. This study argues that the scope of compensation may be expanded through extending the jurisprudential principle concerning the sanctity of a Muslim's blood to include the sanctity of property, avoiding restriction to the specific cases mentioned in narrations, limiting the rule of voluntary assumption of risk (*Qa'idat al-Iqdam*) to intentional conduct, and drawing upon principles governing financial obligations and governmental authority. Such an approach would facilitate broader and more comprehensive compensation for victims' losses.

Keywords

Civil Liability; Rule of Voluntary Assumption of Risk (*Qa'idat al-Iqdam*); Victim Losses; Compensation for Damages; Insurance Liability.



جبران خسارت از زیان‌دیده مقصر در حوادث رانندگی

در فقه و حقوق*

اسماعیل آقابابایی بنی 

دانشیار، گروه مسائل فقهی و حقوقی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکده فقه و حقوق، قم، ایران.
Aghababaei@isca.ac.ir



چکیده

خسارات بدنی و مالی ناشی از حوادث رانندگی دایره وسیعی را در بر می‌گیرد. علاوه بر جبران توسط عامل زیان یا بیمه، در مواردی چون فقدان یا انقضای بیمه‌نامه، فرار یا عدم شناسایی مسئول حادثه، مقصر نبودن راننده یا بروز عوامل قهری نیز به دلیل ضرورت‌های اجتماعی، جبران خسارت از زیان‌دیدگان را نمی‌توان نادیده گرفت. توسعه در مسئولیت دولت با مسئول شمردن بیت‌المال یا تحمیل مسئولیت بر شرکت‌های بیمه و صندوق تأمین خسارت از جمله رویکردهای جدید در توسعه مسئولیت مدنی است و قوانین نیز همسو با این رویکرد در صدد حمایت از زیان‌دیده برآمده‌اند تا جایی که حتی در زیان‌دیده مقصر تا زمانی که به‌طور عمد به ایجاد زیان اقدام نکرده باشد، این مسئولیت و جبران خسارت به قوت خود باقی است. رویکرد حداکثری در جبران خسارت زیان‌دیده، به‌رغم آنکه در فقه و مقررات برگرفته از فقه مطرح نشده و در مواردی تقصیر را از موجبات رفع ضمان دانسته‌اند، در برخی مقررات دیگر، * آقابابایی بنی، اسماعیل. (۱۴۰۵). جبران خسارت از زیان‌دیده مقصر در حوادث رانندگی در فقه و حقوق. فقه، ۱(۳۳)، صص ۸۷-۱۰۹.

<https://Doi.org/10.22081/jf.2026.69852.2841>

▣ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

▣ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۷ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۸/۰۵ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۱/۰۹

© ۱۴۰۵ «حق تألیف و حقوق کامل انتشار برای نویسندگان محفوظ است»



همسو با نیازهای اجتماعی از جبران خسارت زیان‌دیده حتی در فرض تقصیر سخن به میان آمده است که می‌توان با توسعه قاعده فقهی حرمت خون مسلمان به حرمت مال، اکتفا نکردن به موارد منصوص در روایات، اختصاص دادن قاعده اقدام به موارد عمد و بهره‌گیری از قواعد حاکم بر ذمه و حکم حکومتی، قلمرو قاعده را توسعه داد و خسارت‌های زیان‌دیده را حداکثری جبران کرد.

کلیدواژه‌ها

مسئولیت مدنی، قاعده اقدام، خسارت زیان‌دیده، جبران خسارت، مسئولیت بیمه.

مقدمه

حوادث رانندگی آمار بالایی از خسارت‌های بدنی و مالی را به خود اختصاص داده است و در موارد نبود یا انقضای بیمه‌نامه، فرار یا شناسایی نشدن مسئول حادثه و مقصر نبودن راننده یا بروز عوامل قهری، از یک سو ضرورت‌های اجتماعی اقتضای جبران خسارت از زیان‌دیده را دارد و حتی در فرض مقصر بودن وی تا زمانی که مشمول قاعده اقدام و عمدی نباشد، این ضرورت به قوت خود باقی است و از سوی دیگر، تحمیل مسئولیت بر مقصر در فرض نبود بیمه‌نامه یا انقضای آن، به دلیل بالا بودن میزان دیه و خسارات بدنی عملاً امکان جبران آن را در غالب موارد منتفی می‌سازد و از سوی سوم، تحمیل این مسئولیت بر دولت به خصوص در جایی که زیان‌دیده خود مقصر در حادثه باشد، با مبانی فقهی و حقوقی سازگاری ندارد.

در فقه در مواردی چون اشتباه قاضی در صدور حکم، فرار قاتل، نبود یا ناتوانی عاقله از پرداخت دیه در خطای محض، کشته شدن فرد بر اثر ازدحام، اقرار قاتل به قتل عمد کسی که پیش از آن کس دیگری به آن اقرار کرده است، از مسئولیت بیت‌المال سخن به میان آمده است که به نوعی به گسترش مسئولیت دولت‌ها در جبران خسارت از زیان‌دیدگان می‌انجامد با این حال به دلیل استثنا بودن پرداخت دیه از بیت‌المال، برخی بر امکان پرداخت در موارد منصوص نظر دارند و برخی دیگر، امکان فراتر رفتن را براساس مصالح اجتماعی مطرح کرده‌اند که ماده ۴۲۸ قانون مجازات اسلامی براساس برخی آرای فقهی با شرایط خاص امکان پرداخت دیه از بیت‌المال را مطرح کرده و جبران برخی خسارت بدنی غیرمنصوص را از بیت‌المال ممکن دانسته است.

بر فرض پذیرش توسعه در مسئولیت دولت و پرداخت خسارات بدنی در حوادث رانندگی در مواردی که پرداخت آن از سوی عامل زیان ممکن نیست و در مواردی چون یافت نشدن عامل قتل، نص صریح داریم و در مواردی که عوامل قهری چون آتش سوزی یا سیل و زلزله، زمینه خسارت را فراهم کرده است، در آرای فقهی همسو با قوانین برگرفته از فقه، از نبود ضمان سخن به میان آمده است حال آنکه ضرورت‌های اجتماعی و رویکردهای جدید در توسعه مسئولیت مدنی دولت، به این دست جبران

خسارت‌ها گرایش دارد و لازم است ناساگاری آن با آرای فقهی مطرح و حل گردد. فراتر از آن، مشکل در جایی است که مصدوم و زیان‌دیده، خود مقصر در حادثه باشد مثلاً در خیابان از مسیر خط کشی شده برای عابران پیاده عبور نکرده باشد، در این موارد قوانین جدید در صدد حمایت از زیان‌دیده بر آمده و بیمه یا صندوق تأمین خسارت را مسئول پرداخت خسارت بدنی دانسته‌اند، حال آنکه از نظر حقوقی و عرفی، فرد مقصر نباید از ارفاق برخوردار شود و از نظر فقهی تحمیل جبران چنین خسارتی بر دولت یا نهادهای شبه دولتی و عمومی مثل بیمه و صندوق تأمین خسارت با مشکلاتی همراه است.

از این رو این سوال مهم رخ می‌نماید که بر چه اساسی می‌توان جبران خسارت از زیان‌دیده مقصر را به جز در مواردی که عمداً اقدام به ضرر کرده است، چنان که در برخی قوانین هم تصریح شده است، از نظر فقهی مشروع دانست؟ نیز فرض بحث جایی است که ضمان قراردادی در میان نیست یا به دلیل تخلف از مفاد قرارداد امکان استناد به قرارداد برای جبران خسارت وجود ندارد.

از نظر پیشینه در سال ۱۳۸۴ مقاله‌ای با عنوان «آثار تقصیر زیان‌دیده بر مسئولیت مدنی» از کاظمی به چاپ رسیده که تحولات تقصیر و شیوه جبران خسارت در صورت تعدد اسباب را در حقوق کامن‌لا، فرانسه و فقه امامیه بیان می‌کند. همین مطالب با اندکی تغییر و به روز رسانی در سال ۱۳۹۱ با عنوان «اثر فعل زیان‌دیده بر مسئولیت مدنی عامل زیان» از همین نویسنده به چاپ رسیده است. در مقاله دیگری با عنوان «اثر حالت و وضعیت زیان‌دیده بر مسئولیت عامل زیان» به قلم خادم سربخش در سال ۱۳۸۹ بر حالت جسمی و روحی بیمارگونه عامل زیان پرداخته شده و این نتیجه به دست آمده است که اگر زیان‌دیده عامل زیان را از وضعیت خود آگاه نکند و متحمل زیان شود، حق مطالبه زیان از عامل زیان را ندارد. مقاله سوم با عنوان «مطالعه تطبیقی تأثیر تقصیر زیان‌دیده بر مسئولیت مدنی در حقوق اسلامی و کامن‌لا» به سال ۱۳۹۲ به قلم پوراسماعیل نگارش یافته و در آن تشابه تقصیر در حقوق روم با قاعده اقدام به بحث گذاشته شده است و بخشی از مقاله به شیوه تقسیم مسئولیت بین عوامل زیان اختصاص

دارد. نیز مقاله دیگری با عنوان «تأثیر ارتکاب فعل نامشروع زیان‌دیده بر مسئولیت مدنی در فقه امامیه و حقوق ایران» نوشته مصطفوی و توحیدی مهر به سال ۱۳۹۸ بر تعدد اسباب و تأثیر میزان نقش زیان‌دیده در جبران خسارت می‌پردازد و با ارائه نمونه‌هایی از فقه از قاعده اقدام و سلب مسئولیت به سبب اقدام زیان‌دیده سخن می‌گوید. صادقی در نوشته‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی تقصیر زیان‌دیده در موارد بیمه اجباری» سعی کرده است با استفاده از تحولات حقوق فرانسه، مسئله پرداخت خسارت در موارد مقصر بودن زیان‌دیده را مطرح کند و عدم تبعیت آن از قواعد عام مسئولیت مدنی را به تصویر کشد. در این نوشته پرداختن تفصیلی به تحولات نظریه تقصیر و حقوق فرانسه و تطبیق آن با مسئولیت کارفرما در مقابل کارگر، باعث شده است بخش اندکی به مسئولیت مدنی رانندگان اختصاص یابد.

با این حال، گرچه در نوشته‌های یادشده به برخی ابعاد مسئله از جمله توسعه مسئولیت دولت در پرداخت از بیت‌المال اشاره شده و سابقه آن را در دانش فقه به وفور می‌توان یافت، اولاً بر زیان‌دیده مقصر که موضوع این مقاله است نپرداخته‌اند ثانیاً، مباحث بیشتر ناظر به حقوق کشورهای چون فرانسه و حقوق کامن‌لا است و اشاره مختصری به حقوق ایران و فقه امامیه دارند. در حالی که محور مقاله حاضر فقه امامیه و به تبع آن حقوق ناظر به فقه است و درصدد است چرایی و دلایل فقهی و حقوقی جبران خسارت از زیان‌دیده مقصر را بحث محوری خود قرار دهد. با این بیان سوال، اصلی این تحقیق را می‌توان فاقد پیشینه قلمداد کرد هر چند برخی فروع آن در نوشته‌های یادشده قابل ردیابی است.

برای پاسخ‌گویی به مسئله یادشده، ابتدا باید امکان یا عدم امکان تحمیل ضمان بر غیر، در فقه و حقوق سخن گفت و آن‌گاه قوانین مرتبط و راهکارهای فقهی آن در فقه و حقوق به بحث گذاشت از این‌رو در نوشته حاضر در سه بخش: ۱- قلمرو مسئولیت دولت در جبران خسارت زیان‌دیده؛ ۲- رویکرد قوانین به جبران خسارت زیان‌دیده؛ ۳- جبران خسارت زیان‌دیده مقصر از نظر فقهی، این مباحث را پی می‌گیریم و بخش پایانی مقاله به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری اختصاص خواهد یافت.

۱. قلمرو و گستره مسئولیت دولت در جبران خسارت زیان دیده

برای مسئول شمردن راننده در حقوق نظریه‌های تقصیر، خطر و تضمین حق به مرور زمان مطرح شده و ریشه‌های این نظریه‌ها را در دانش فقه هم می‌توان یافت (ر.ک: آقابابایی بنی، ۱۴۰۱، صص ۴۳-۷۵). با این حال، در جایی که مصدوم خود مقصر در حادثه باشد، فرد یا نهاد دیگری را نباید مسئول جبران خسارت به‌شمار آورد. افزون بر این، قسمت اخیر ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی در سلب مسئولیت مدنی از دولت مقرر می‌دارد: «در مورد اعمال حاکمیت دولت هر گاه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارات نخواهد بود» و بدین ترتیب بر کاهش مسئولیت دولت در جبران خسارات نظر دارد.

این رویکرد و جبران نشدن خسارات زیان‌دیده با توجه به آمار بالای تصادف رانندگی، به شرحی که در ادامه خواهد آمد، مشکلاتی را براساس ضرورت‌های اجتماعی رقم زد و به توسعه قلمرو مسئولیت دولت در جبران این دست از خسارت‌ها حتی در جایی که مصدوم مقصر حادثه باشد، انجامید.

ریشه‌های جبران خسارت توسط دولت و بیت‌المال در دانش فقه را می‌توان در جبران خسارت خطای قاضی یافت که محقق حلی با عبارت: «و لو أخطأ فأتلف لم یضمن و کان علی بیت المال» (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۶۶)، بدان می‌پردازد و شارحان کتاب ایشان به مخالفت و موافقت با آن پرداخته و هر یک مبانی مختلفی را برای سخن خود بیان کرده‌اند. نیز روایت «مَا أَخْطَأَتِ الْقَضَاءُ فِي دَمٍ أَوْ قَطْعٍ، فَعَلَى بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ» (کلینی، ۱۳۸۷، ص ۴۹۵) مستند کسانی قرار گرفته است که بیت‌المال را در موارد خطای قاضی مسئول شمردند (نجفی، بی‌تا، ج ۴۰، ص ۷۹) و برخی با تفصیل بیشتر از مسئولیت قاضی در موارد خطا سخن گفته‌اند (ر.ک: خرازی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۲۲۴). براساس همین بنای فقهی در اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی شود، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود، و در

هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد». برخی محققان هم تلاش کرده‌اند ضمن بیان مبانی فقهی اصل یادشده از امکان توسعه آن به سایر کارگزاران دولتی سخن به میان آورند (صالحی مازندرانی، ۱۳۹۱).

با این حال در اینکه مقصود از تقصیر چیست و چه محدوده‌ای را در بر می‌گیرد، مباحثی را برانگیخت که برخی پس از بحث تفصیلی و مراجعه به مشروح مذاکرات خبرگان قانون اساسی در تصویب اصل یادشده به این نتیجه دست یافته‌اند که: «هر چند قاضی در صورت تقصیر دارای مسئولیت شخصی است، لیکن نمی‌توان او را در برابر تمامی مصادیق و گونه‌های تقصیر مسئول شناخت، بلکه برخی از گونه‌های تقصیر را می‌توان در ذیل عنوان اشتباه قرارداد و مسئول آن نیز در این صورت دولت خواهد بود» (صالحی مازندرانی، ۱۳۸۴).

با تصویب قانون مجازات اسلامی و مقررات دیگر مبنی بر مسئول شناختن بیت‌المال در موارد خاص، به نوعی مسئولیت دولت در جبران خسارت گستره بیشتری را در بر گرفت که برخی به تفصیل مبانی آن را از دو بعد حقوقی و فقهی مطرح و بررسی کرده‌اند (ر.ک: حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۵؛ ادیبی مهر و سلطانی، ۱۳۹۷). با این حال توسعه دادن مسئولیت دولت انتقادهایی را برانگیخته و برخی براساس آن به نقد برخی قوانین پرداخته‌اند (رحیمی، ۱۳۹۷).

در یک جمع‌بندی کلی از توسعه مسئولیت دولت در قوانین و با توجه به مقررات موجود می‌توان گفت:

۱- از آنجاکه تحمیل جبران خسارت بر بزهکار در مواردی عملاً ممکن نیست، از گذشته‌های دور از مسئولیت دولت یا بیت‌المال در جبران خسارت سخن به میان آمده است (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۳ به بعد) تا اینکه در تحولات اخیر، مسئولیت دولت شکل فراگیری به خود گرفته است و تلاش شده بر مبنای مسئولیت قراردادی (قرارداد اجتماعی یا قرارداد میان افراد و دولت) (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۹) یا مسئولیت قهری این مسئولیت بیان شود. استدلال‌هایی براساس تکلیف دولت در جبران خسارت یا براساس مصالح اجتماعی و نه مکلف بودن دولت، در دانش حقوق مطرح است (حاجی

ده‌آبادی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۷). در فقه نیز قواعدی چون باطل نشدن خون مسلمان با تلاش در تسری آن به خون اعم از مسلمان و غیر مسلمان سخن به میان آمده و روایاتی نیز به صراحت از مسئول بودن بیت‌المال در موارد خاص سخن گفته‌اند. از این رو مسئول بودن دولت در جبران خسارت از زیان‌دیده، امروزه امر پذیرفته شده است و مبانی مختلف در فقه و حقوق با آن همراهی می‌کند.

۲- در حقوق ایران در برخی مقررات برگرفته از فقه همچون: اشتباه قاضی در صدور حکم (برای نمونه ر.ک: حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۶۶)، فرار یا فوت قاتل (برای نمونه ر.ک: موسوی خوئی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۵۴)، نبود یا ناتوانی عاقله از پرداخت دیه در خطای محض (موسوی خوئی، ۱۴۲۲ق، ج ۲۴۱)، کشته شدن فرد بر اثر ازدحام (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۷۴۱)، اقرار قاتل به قتل عمد کسی که پیش از آن کس دیگری به آن اقرار کرده است (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۰۳) از مسئولیت بیت‌المال سخن به میان آمده است با این حال در مقررات عرفی مشابه، قانون‌گذار سعی کرده است با دادن مسئولیت به بیمه یا صندوق تأمین خسارت، اشکال پرداخت دیه از بیت‌المال را که متعلق به عموم مردم است و نباید در حمایت از افراد خاص به کار گرفته شود، جبران کند. مانند تبصره ۳ ماده واحده قانون اجازه حمل و استعمال اسلحه به نگهبانان بانک‌ها که بانک‌ها و مؤسسات را ملزم می‌کند نگهبانان حامل سلاح را بیمه مسئولیت مدنی کنند یا در تبصره ۲ قانون تشکیل گارد صنعت نفت همین رویه اتخاذ شده است. از این رو می‌توان گفت در موارد منصوص شرعی قانون‌گذار مستقیم از طریق بیت‌المال و در موارد دیگر سعی کرده است با کمک از بیمه یا نهادهای مشابه بیت‌المال مثل صندوق تأمین خسارت، زیان‌ها را جبران کند.

علت آن را می‌توان در محدودیت‌هایی که در پرداخت از بیت‌المال در فقه وجود دارد، جست و جو کرد که در جای خود به تفصیل بررسی شده است (برای نمونه ر.ک: جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳ق، ج ۲۱، ص ۴۰۸؛ بای، ۱۴۰۲؛ صادقی و صادقی، ۱۳۹۱).

نتیجه اینکه در موارد خاص، مسئولیت بیت‌المال در پرداخت خسارت پذیرفته شده و مبانی مختلفی برای آن ذکر شده است از جمله قواعدی چون «الخراج بالضمنان» (ر.ک: موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹، ص ۲۷۵)، «من له الغنم فعليه الغرم» و «التلازم بین النماء و الدرک»

(ر.ک: مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ص ۲۸۴) اقتضا دارد چنان که بیت‌المال و در تعبیر ما در این بحث دولت، در مواردی ملزم به دریافت دیه مقتولین است، متقابلاً در برابر دیه کشته شدگان و صدمه دیدگان ملزم به جبران خسارت می‌شود. افزون بر اینکه روایاتی بر باطل نشدن خون دلالت دارند و با عنوان قاعده فقهی «دم المسلم لا یذهب هدرا» (برای نمونه ر.ک: مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۲۹) در فقه از آن یاد می‌شود.

با این حال در امکان توسعه مسئولیت دولت به عوامل قهری، مقررات برگرفته از فقه آن را نپذیرفته‌اند. در فقه در بحث برخورد دو کشتی فرض‌هایی را برای ضمان آورده ولی در فرضی که بدون افراط و تفریط و خارج از اراده خسارتی راخ دهد ضمان را منتفی دانسته و نوشته‌اند: «و لو لم یفرطاً، بأن غلبتھا الزیاح، فلا ضمان» (ر.ک: عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۳۶۶). بر همین اساس در قوانین هم از نبود ضمان در چنین مواردی سخن به میان آمده است مانند ماده ۵۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که مقرر می‌دارد: «هرگاه برخورد بین دو یا چند نفر یا وسیله نقلیه بر اثر عوامل قهری مانند سیل و طوفان به وجود آید، ضمان منتفی است». هر چند در مقررات جدید ناظر به مسئولیت شرکت‌های بیمه به شرحی که خواهد آمد، از توسعه این مسئولیت به عوامل قهری نیز سخن به میان آمده است. این در حالی است که برخی معتقدند: مصونیت دولت در قبال اعمال حاکمیتی به جز در مواردی که با قاعده احسان منطبق باشد توجیه فقهی و حقوقی ندارد (میرداشی، ۱۳۹۲).

نتیجه اینکه در فقه و مقررات برگرفته از فقه، موارد پرداخت دیه از بیت‌المال محدود به موارد منصوص است با این حال یکی از مصارف آن تأمین مصالح عمومی است که بندرت فقها بدان فتوا داده‌اند (برای نمونه ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ص ۴۲۰).

۲. رویکرد قوانین به جبران خسارت زیان‌دیده

قوانین ناظر به جبران خسارت از زیان‌دیده مقصر در دو دسته قوانین برگرفته از فقه و سایر قوانین به شرح زیر می‌توان بررسی کرد:

۱-۲. در قوانین برگرفته از فقه، برخی قوانین تقصیر زیان‌دیده را نافی ضمان دانسته‌اند؛ مانند ماده ۵۰۴ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) که برخورد راننده با زیان‌دیده

مقصر را موجب رفع ضمان می‌داند یا در ماده ۵۳۷ با تقصیر مجنی علیه ضمان منتفی دانسته شده است. نمونه دیگر ماده ۵۲۱ است که در آن صرف جواز عمل بدون تقصیر از اسباب رافع مسئولیت حتی مسئولیت مالی به‌شمار آمده است. منشأ مواد یادشده را می‌توان رویکردهای فقهی در مسئله ضمان دانست (برای نمونه ر.ک: تبریزی، ۱۴۲۶ق، ج ۴، صص ۸۷-۱۰۹)، تا جایی که برخی از مواد یادشده عیناً ترجمه عبارات فقهی است یا دست کم براساس نگاه‌های مشهور فقهی و گاه با عبارات قانونی ناظر به جرایم رانندگی که امر مستحدثی است، به نگارش در آمده است.

نیز برخی مقررات ملاک ضمان را تلف می‌دانند که در این صورت صرف استناد عرفی تلف برای ضمان کافی خواهد بود و نیاز به عنصر تقصیر نیست؛ مانند: ماده ۳۳۱ قانون مدنی که تصریح دارد: «هر کس سبب تلف مالی بشود باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد باید از عهده نقص قیمت آن برآید». در نتیجه در صورت عدم استناد اتلاف یا مقصر نبودن ضمان منتفی خواهد بود.

۲-۲. در برخی قوانین دیگر که مستقیم از فقه متأثر نیستند می‌توان مواردی را یافت که به‌رغم مقصر بودن زیان‌دیده امکان یا لزوم جبران خسارت را مطرح کرده‌اند مانند: ماده ۲۶ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹ که مقصر نبودن راننده را مانع مسئولیت وی می‌داند ولی تصریح می‌کند: «عدم مسئولیت راننده مانع استفاده مصدوم یا وراثت متوفا از مزایای بیمه نخواهد شد»

یا به‌رغم آنکه در ماده ۵۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تصریح است: «هرگاه برخورد بین دو یا چند نفر یا وسیله نقلیه بر اثر عوامل قهری مانند سیل و طوفان به وجود آید، ضمان منتفی است»، بند پ ماده ۱ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ حوادث را شامل موارد زیر می‌داند: «هرگونه سانحه ناشی از وسایل نقلیه موضوع بند (ث) این ماده و محمولات آنها همچون تصادم، تصادف، سقوط، واژگونی، آتش سوزی و یا انفجار یا هر نوع سانحه ناشی از وسایل نقلیه بر اثر حوادث غیرمترقبه». در نتیجه در عوامل قهری جبران خسارت ممکن است.

یا در ماده ۱۰ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث آمده است: «به منظور حمایت از زیان‌دیده‌گان حوادث رانندگی، خسارت‌های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضای بیمه‌نامه، بطلان قرارداد بیمه، تعلیق تأمین بیمه‌گر، فرار کردن و یا شناخته نشدن مسئول حادثه و یا ورشکستگی بیمه‌گر قابل پرداخت نباشد یا به‌طور کلی خسارت‌های بدنی خارج از شرایط بیمه‌نامه (به استثنای موارد مصرح در ماده ۷) توسط صندوق مستقلی به نام صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت خواهد شد».

نتیجه دو دسته مقررات یادشده آن است که در مقام ایجاد ضمان و مسئولیت، فقه و قوانین برگرفته از فقه، نبود تقصیر یا نبود استناد را از اسباب رافع ضمان دانسته‌اند. علت آن در فرض وجود تقصیر را می‌توان صدق قاعده اقدام دانست با این توضیح که وقتی فردی با علم و آگاهی یا پذیرش خطر اقدام به عمل زیانبار می‌کند جز او کس دیگری مسئول نیست و دلیلی بر جبران خسارت نداریم. با این حال در مقام جبران خسارت، در حوادث رانندگی قانون‌گذار در مقام جبران حداکثری خسارت بر آمده و به‌رغم مقصر بودن، جبران خسارت را از طریق بیمه یا صندوق تأمین خسارت لازم می‌داند.

از این‌رو اشکال قابل طرح آن است که طبق مواد قانون مجازات اسلامی به شرح مباحث گذشته، در موارد بروز عوامل قهری یا مقصر بودن زیان‌دیده ضمان منتفی است و از طرف دیگر پرداخت دیه از بیت‌المال محدودیت‌هایی دارد که شمول آن بر موارد یادشده با انتقادهایی همراه است در این صورت پرداخت دیه از سوی صندوق یا بیمه به‌رغم نبود ضمان از نظر قانون مجازات اسلامی و فقه با چه معیاری قابل توجیه است؟ پاسخ این سوال را در ادامه پی می‌گیریم.

۳. جبران خسارت زیان‌دیده مقصر از نظر فقهی

گرچه به‌طور مطلق نمی‌توان به جبران خسارت از زیان‌دیده قائل شد، به‌طور استثنای در خصوص حوادث رانندگی از نظر حقوقی می‌توان گفت قانون‌گذار خواسته است با وجود تقصیر، خسارت زیان‌دیده جبران شود. با این توضیح که مقررات ناظر به جبران

خسارت از زیان دیده به دلیل خاص بودن در مقایسه با قانون مجازات اسلامی، مقدم بر قانون عام به شمار می‌روند در نتیجه در حوادث رانندگی خسارت زیان دیده حتی اگر مقصر باشد تا زمانی که مشمول قاعده اقدام نباشد، جبران می‌شود ولی در دیگر حوادث با مقصر بودن زیان دیده جبرانی صورت نخواهد گرفت و طبق قواعد عام که در قانون مجازات اسلامی منعکس شده است عمل می‌شود.

حال پرسش این است که آیا قانون‌گذار می‌تواند اراده خود را بر افراد تحمیل کرده و شخصی را که شرعاً مدیون نیست، مدیون تلقی و به جبران خسارت الزام کند؟ یک پاسخ این است که بگوییم: زمانی که شرعاً کسی مدیون نباشد با قانون نمی‌توان وی را مدیون کرد. به بیان دیگر، قانون‌گذار در مقام ضرورت و مصلحت فقط می‌تواند حکم تکلیفی شرعی را نادیده بگیرد ولی آثار وضعی بار کردن بر آن پذیرفته نیست. بر همین اساس در الزام به تنظیم سند رسمی گفته‌اند باطل اعلام کردن معامله بدون سند یا غضب بودن تصرف در آن، تحت اراده قانون‌گذار قرار نمی‌گیرد (آقابابایی، ۱۳۹۹، ۱۲۹ به بعد). مخالفان با پرداخت خسارات زاید بر دیه نیز به چنین ادله‌ای استناد کرده‌اند (ر.ک: شفیعی سروستانی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۸ به بعد).

با این حال به نظر می‌رسد با توجه قاعده باطل نشدن خون بتوان جبران خسارت از زیان دیده مقصر را از منظر فقه جایز دانست. توضیح اینکه: قاعده باطل نشدن خون مسلمان که با عنوان «دم المسلم لا یذهب هدرأ» در کتاب‌های قواعد فقهی به تفصیل از اصل قاعده و تطبیقات آن بحث شده است (برای نمونه ر.ک: مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۲۹)، دلالت بر آن دارد که خسارت بدنی جز در موارد استثنا باید جبران شود. با توجه به طرح اصل بحث در جای خود، پرداختن به این قاعده در این جا نیاز به بحث مستقل ندارد ولی در بهره‌گیری از این قاعده فقهی برای جبران خسارت از زیان دیده مقصر اشکال‌هایی به شرح زیر قابل طرح است: اولاً، باطل نشدن اختصاص به خون دارد نه مال؛ ثانیاً، موارد آن منصوص در روایات است و نمی‌توان توسعه داد؛ ثالثاً قاعده و روایات ناظر به جایی است که زیان دیده خود عامل زیان نباشد و رابعاً، این قاعده اختصاص به خون مسلمان دارد و نمی‌توان مفاد آن را به همه شهروندان توسعه داد.

در نتیجه استفاده از این راه حل برای جبران خسارت زیان دیده مقصر از نظر فقهی مشکل خواهد بود.

در پاسخ می‌توان گفت: در برخی روایات به جای خون از حق مسلمان سخن به میان آمده است: «وَأَلَّا يَبْطُلَ حَقُّ مُسْلِمٍ» (کلینی، ج ۱۴، ص ۳۵۸ و ج ۱۷، ص ۳۸۰) که حق را می‌توان اعم از دیه و خسارات مالی دانست و جبران را لازم به‌شمار آورد و اگر این توسعه پذیرفته نشود، حداقل در جبران خسارات بدنی مانع فقهی از این جهت نداریم.

از سوی دیگر، وقتی اصل جبران را پذیرفتیم می‌توان گفت آنچه در روایات و آرای فقهی آمده از باب مصداق است و نمی‌توان آن را دلیل بر انحصار به‌شمار آورد؛ چنان که موارد لوث را برخی از باب مصداق دانسته و به مورد روایات اکتفا نکرده‌اند (برای مطالعه ر.ک: یزدی، ۱۳۸۳). به بیان دیگر هدف آن است که خون یا مال مسلمان در معرض تلف قرار نگیرد و ذکر چند مصداق در روایات دلیل بر انحصار نمی‌تواند باشد؛ گذشته از اینکه بیت المال برای تأمین مصالح مسلمانان در نظر گرفته شده و دامنه مصالح فراتر از مصادیق ذکر شده در روایات خواهد بود.

راجع به اشکال سوم هم می‌توان گفت تا زمانی که قاعده اقدام به ضرر محقق نشده باشد، قاعده حرمت خون جریان دارد و مقصر بودن، همسان با قاعده اقدام به ضرر نیست.

توضیح اینکه در معنای قاعده اقدام آورده‌اند: «هرگاه شخصی با توجه و آگاهی، عملی را انجام دهد که موجب ورود زیان توسط دیگران به او گردد، واردکننده زیان، که شخص دیگری است، مسئول خسارت نخواهد بود» (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۲۱؛ قانون مدنی ماده ۴۱۸؛ یزدی، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۲۶). در نتیجه آنچه مانع جبران خسارت است اقدام به ضرر از جانب فرد زیان دیده است نه صرف بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی به خصوص در جایی که عرف آن را بی‌احتیاطی شدید و قابل سرزنش نمی‌داند. از این رو می‌توان گفت در ماده ۲۶ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، آنچه در عمل رخ داده، استفاده نکردن عابر از نقاط خط کشی شده یا گذرگاه است که در واقع مصداق بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی است نه اقدام به ضرر.

اشکال بعدی امکان یا عدم امکان تسری هدر نبودن خون مسلمان به همه شهروندان است که در این جا افزون بر بهره‌گیری از قواعد حاکم بر ذمه و برخوردار دانستن همه شهروندان از حقوق شهروندی می‌توان از حکم حکومتی برای تسری احکام به غیر مسلمانان بهره گرفت؛ چنان‌که در خصوص دیه غیر مسلمان براساس حکم حکومتی همسان با دیه مسلمان قلمداد شده و ماده ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) تصریح دارد: «براساس نظر حکومتی مقام رهبری، دیه جنایت بر اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به اندازه دیه مسلمان تعیین می‌گردد». در این جا ظاهر ماده حکایت از پرداخت دیه توسط جانی دارد و بر این اساس، تحمیل دیه کامل به‌رغم شهرت فقهی که دیه غیر مسلمان را یک دهم دیه مسلمان می‌داند، براساس حکم حکومتی پذیرفته شده است.

چند نکته

علاوه راهکار فقهی که برای جبران خسارت از زیان‌دیده مقصر بیان شده چند نکته به شرح زیر نیز می‌تواند در بی‌اشکال بودن جبران خسارت از نظر فقه در بحث ما کارگشا باشد:

نکته اول: در جبران خسارت از زیان‌دیده مقصر، جبران بر فرد بدون تقصیر تحمیل نمی‌شود بلکه قانون‌گذار سعی می‌کند از راه‌های دیگری این خسارت را جبران کند که گرایش به جبران آن از اموال عمومی و بیت‌المال از آن جمله است. با این حال مقررات در این زمینه بر دو دسته‌اند:

الف) در برخی مقررات، جبران خسارت محدود پذیرفته شده است؛ مانند تبصره ۳ ماده ۸ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه که مقرر می‌دارد: «خسارت مالی ناشی از حوادث رانندگی صرفاً تا میزان خسارت متناظر وارده به گران‌ترین خودروی متعارف از طریق بیمه‌نامه شخص ثالث و یا مقصر حادثه قابل جبران خواهد بود» و خودرو متعارف طبق تبصره ۴ همین قانون خودروی است که قیمت آن کمتر از نصف دیه یک مرد باشد. در نتیجه در خودرو

گران قیمت بیمه بیش از نصف دیه را جبران نمی‌کند و خود فرد در صورت تمایل باید ماشین خود را بیمه بدنه کند تا بتواند به خسارتی که دیگری وارد کرده است، دست یابد.

در این موارد می‌توان گفت فردی که با استفاده از خودرو گران قیمت در میان ماشین‌های دیگر تردد دارد در واقع چنان‌که متضرر می‌شود، موجبات ضرر دیگران را هم با آوردن خودرو گران قیمت در خیابان فراهم می‌کند از این رو خود بخشی از سبب خسارت است و بر همین اساس قانون‌گذار برای جبران خسارت محدودیت در نظر گرفته و از راهکار جایگزین تحمیل دیه بر فرد مقصر، مثل الزام راننده به بیمه بدنه ماشین خود، استفاده می‌کند.

ب) در مواردی که ضرورت جامعه اقتضای دخالت در حکم شرعی و مترتب کردن آثار وضعی بر آن است می‌توان آثار وضعی آن را بر عهده دولت یا نهادهایی غیر از فرد جانی قرار داد. مانند تبصره ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی: «در کلیه جنایاتی که معینی علیه مرد نیست، معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌شود» (نیز ر.ک: رای وحدت رویه شماره ۷۷۷ مورخ ۳۱/۲/۱۳۹۸ هیات عمومی دیوان عالی کشور).

در این مورد هم می‌توان گفت در واقع نهادهای عمومی که برای رفاه جامعه و مصلحت عموم وضع شده‌اند در مقام جبران خسارت بر می‌آیند که اقتضای جامعه مدرن است و لازم نیست قواعد حاکم بر جامعه سنتی را در این جا هم پیاده و جبران خسارت را منتفی بدانیم.

نکته دوم: زمانی که قانون‌گذار برای نظم جامعه، انجام یا عدم انجام امری را از مصادیق تقصیر می‌داند، دو فرض قابل طرح است: ۱. مواردی که عرف هم آن را تقصیر به‌شمار آورده و مرتکب آن را سرزنش می‌کند یا اغماض از آن را روا نمی‌داند؛ ۲. مواردی که به‌رغم تحقق تقصیر قانونی، عرف جامعه مسامحه در آن را روا دانسته و فرد را مقصر قلمداد نمی‌کند یا حتی در صورت پذیرش تقصیر، استناد را نمی‌پذیرد.

برای نمونه در ماده ۲۱۵ آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی (مصوب ۸ تیر ۱۳۸۴) آمده است:

«پیادگان موظفند که: الف) در محل‌هایی که پیاده رو وجود دارد از سطح سواره رو استفاده نکنند. ب) در محل‌هایی که پیاده رو وجود ندارد یا در صورت وجود به دلایلی غیرقابل تردد باشد باید از منتهی‌الیه سمت چپ سواره رو و عکس جهت حرکت وسایل نقلیه عبور نمایند. پ) برای گذشتن از عرض راه، تنها از گذرگاه‌های پیاده، پل‌های هوایی و گذرگاه‌های زیرزمینی مجاز عبور نمایند. ت) از دویدن، پریدن و ورود ناگهانی به سطح سواره رو خودداری کرده و مراقب حرکت وسایل نقلیه باشند. ث) از حصار آزادراه‌ها نگذرند و در بزرگراه‌ها و خیابان‌ها از لای درختان و گل بوته‌های حاشیه و میانه راه عبور نکنند. ج) در تقاطع‌ها با روشن شدن چراغ سبز مقابل خود (چراغ عابر) حرکت نمایند و هنگامی که چراغ عابر قرمز بود عبور نکنند. چ) از موانع و خط کشی خطوط ویژه، سواره رو خیابان‌ها و میدان‌ها عبور نکنند. ح) در بزرگراه‌ها و خیابان‌های اصلی، از خارج از گذرگاه‌های تعیین شده عبور نکنند. خ) در سواره رو خیابان برای سوار شدن به وسیله نقلیه و همچنین صحبت کردن یا خرید و فروش با راننده یا سرنشینان وسایل نقلیه، توقف نکنند».

در این مورد گرچه قانون‌گذار در مقام شمارش مصادیق تقصیر است ولی عرف جامعه عمل به بسیاری از این دست مقررات را لازم نمی‌داند و مرتکب را مقصر به‌شمار نمی‌آورد. به واقع این دست مقررات به دلیل نبود پذیرش عرف، در عمل قابل اجرا یا دست‌کم قابل الزام به عمل نیست و هر روز شاهد تخلفات بسیار از این قبیل در میان عابران پیاده هستیم. در نتیجه زمانی می‌توان تقصیر زیان‌دیده را رافع مسئولیت دانست که عرفاً شرعاً و قانوناً مقصر بودن بر وی صدق کند و گرنه موارد مصرح در قانون که تبدیل به عرف نشده و اصلاً مورد توجه مردم نیست یا حتی گاه رعایت کردن آن خلاف عرف به‌شمار می‌رود - مثل الزام قانون بر حرکت عابران عکس رفت و آمد ماشین‌ها در مواردی که پیاده رو قابل استفاده نیست - تحمیل مسئولیت بر مرتکب به استناد تقصیر و تخلف از قانون مشکل است.

در فقه نیز معیار شناسایی تقصیر، تعدی و تفریط است که معیاری کاملاً مبتنی بر تشخیص عرف است و تبدیل کردن چیزی که عرف آن را تقصیر نمی‌داند به قانون و نادیده گرفتن مسئولیت مقصر براساس آن، خود می‌تواند، از نظر شرعی نیز قابل قبول تلقی نگردد؛ به خصوص در جایی که مبنای الزام به تبعیت از قانون مثل اخلال در نظم اجتماعی برای عموم مردم محرز نباشد یا به عکس مردم آن را مخل در نظم عمومی ندانند.

از این رو برای نمونه، قانون عبور از محل خط کشی شده یا پل هوایی را برای عابران پیش بینی کرده است حال آنکه رفت و آمد مردم به صورت عادی در خیابان و بدون توجه به مقررات جریان دارد و اگر کسی دچار حادثه شود، عرف مردم راننده را مقصر می‌داند نه عابری را که عبور از عرض خیابان را بر رفتن به سر چهار راه و عبور از محل خط کشی شده ترجیح داده است.

جمع بندی و نتیجه گیری

مهمترین نتایج این نوشته را می‌توان چنین بر شمرد:

۱. گسترش مسئولیت‌های دولت در جبران خسارت‌های بدنی، تحت تأثیر آرای فقهی ناظر به پرداخت دیه از بیت‌المال، با تدوین اصل ۱۷۱ قانون اساسی مبنی بر جبران خسارت‌های ناشی از اشتباه قضایی در حقوق ایران مطرح و قوانین بعدی از جمله قانون مجازات اسلامی مصادیق آن را توسعه داد با این حال این مسئولیت محدود بود به:
الف) اکتفا بر موارد منصوص در روایات و فتاوای فقهی هر چند در موارد بسیار ضرور برخی فتوا از امکان تعدی از مصادیق منصوص سخن گفته‌اند.
- ب) معیار ضمان منوط است به وجود تقصیر و استناد عرفی، در نتیجه در جایی که راننده مقصر در حادثه رانندگی مقصر نباشد یا استناد عرفی حادثه به وی ممکن نگردد، الزامی بر جبران خسارت نیست.
- ج) در صورتی که زیان دیده مقصر در حادثه باشد، مشمول قاعده اقدام شده و کس دیگری ملزم به جبران خسارت نخواهد بود.

د) در خسارات ناشی از عوامل قهری نیازی به جبران خسارت نیست.
۲. از آنجا که در حوادث رانندگی در موارد متعدد مانند فقدان یا انقضای بیمه‌نامه، فرار یا عدم شناسایی مسئول حادثه و مقصر نبودن راننده یا بروز عوامل قهری عملاً خسارت به زیان‌دیده تحمیل می‌شود، نگرش‌هایی مبنی بر حمایت از زیان‌دیده حکمفرما شد و قوانین با همین رویکرد تدوین شد و این رویکرد حمایتی تا جایی پیش رفت که حمایت از زیان‌دیده مقصر را هم در بر گرفت.

۳. از آنجا که قانون دامنه تقصیر را بسیار توسعه داده و گاه مواردی را از مصادیق تقصیر بر شمرده است که شرعاً و عرفاً مصداق افراط و تفریط نیست، می‌توان گفت جبران خسارت از زیان‌دیده تا زمانی که عرفاً مشمول قاعده اقدام نگردد و زیان‌دیده عمداً به بروز خسارت دامن نزده باشد، از نظر فقهی مانعی در جبران آن نیست و بر همین اساس رویکردهای حمایتی از بزه‌دیدگان در حوادث رانندگی هر چند مقصر، خلاف آورده‌های فقه و عرف تلقی نمی‌شود. دلیل اصلی لزوم جبران خسارت در این موارد را می‌توان قاعده فقهی حرمت خون دانست که دامنه وسیعی از لزوم جبران خسارات را در بر می‌گیرد.

در پایان براساس مطالبی که گذشت پیشنهاد می‌شود:
با توجه به تحول مسئولیت دولت‌ها و ضرورت اجتماعی در جبران حداکثری خسارت زیان‌دیدگان در حوادث رانندگی، قانون‌گذار چنان‌که در حوادث رانندگی جبران خسارت از زیان‌دیده مقصر را پذیرفته است و به شرح این نوشته می‌توان از نظر فقهی هم با آن همراهی کرد، این دست جبران خسارات‌ها را به حوادث دیگر که امروزه جان و مال انسان‌ها را تهدید می‌کند توسعه داده و خسارات جبران نشده را به حداقل ممکن برساند.

منابع

- آقابابایی بنی، اسماعیل (به کوشش). (۱۳۹۹). انحصاری کردن نقل و انتقال اموال غیر منقول در سند رسمی (نشست‌های فقهی - حقوقی). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- آقابابایی بنی، اسماعیل. (۱۴۰۱). مسئولیت کیفری رانندگان وسایل نقلیه. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ادیبی مهر، محمد سلطانی، عین الله. (۱۳۹۷). مبانی مسئولیت مدنی در امور مالی دولت از منظر فقه و حقوق موضوعه. پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۱۵(۵۴)، صص ۱۱-۲۸.
- بای، حسینعلی. (۱۴۰۲). پرداخت دیه از بیت المال. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- پوراسماعیل، علیرضا. (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی تأثیر تقصیر زیان‌دیده بر مسئولیت مدنی در حقوق اسلامی و کامن‌لا. مطالعات تطبیقی معاصر، ۴(۷)، صص ۱-۲۹.
- تبریزی، جواد بن علی. (۱۴۲۶ق). تنقیح مبانی الأحکام: کتاب القصاص (ج ۴، چاپ دوم). قم: دار الصدیقة الشهيدة ع.
- جمعی از پژوهشگران. (۱۴۲۳ق). موسوعة الفقه الإسلامي طبقاً لمذهب أهل البيت ع (ج ۲۱). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت ع.
- حاجی ده‌آبادی احمد. (۱۳۸۵). از جبران خسارت بزه‌دیده توسط بزه‌کار تا جبران خسارت توسط دولت. حقوق اسلامی، ۳(۹)، صص ۹۵-۱۲۲.
- حلی، جعفر بن حسن (محقق حلی). (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام (ج ۴). قم: اسماعیلیان.
- خادم سربخش، مهدی. (۱۳۸۹). تأثیر حالت و وضعیت زیان‌دیده بر مسئولیت عامل زیان. مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۴، صص ۱۱۱-۱۳۱.
- خرازی محسن. (۱۴۲۳ق). البحوث الهامة في المكاسب المحرمة (ج ۲). قم: مؤسسه در راه حق.

۱۰۷
فقه

جبران خسارت از زیان‌دیده مقصر در حوادث رانندگی در فقه و حقوق

رحیمی، حبیب الله. (۱۳۹۷). تحولات مسئولیت مدنی دولت به سبب صدور و اجرای آرای قضایی با تصویب قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری جدید. پژوهش حقوق عمومی، ۲۰(۵۹). صص ۱۶۵-۱۸۹.

سعادت مصطفوی، سیدمصطفی؛ توحیدی مهر، احسان. (۱۳۹۸). تأثیر ارتکاب فعل نامشروع زیان دیده بر مسئولیت مدنی در فقه امامیه و حقوق ایران. پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۲۰(۴۹). صص ۲۵-۵۰.

شفیعی سروستانی، ابراهیم. (۱۳۹۵). فقه وقانون گذاری: آسیب شناسی قانون گذاری در نظام جمهوری اسلامی. قم: طه.

صادقی، محسن. (۱۳۹۹). مطالعه تطبیقی تقصیر زیان دیده در موارد بیمه اجباری. مطالعات حقوق خصوصی. شماره ۳، صص ۵۷۳-۵۹۰.

صادقی، محمد؛ صادقی، علی. (۱۳۹۱). بررسی فقهی حقوقی موارد پرداخت دیه توسط بیت المال. راهبرد، ۲۱(۶۵). صص ۱۲۹-۱۶۴.

صالحی مازندارانی، محمد. (۱۳۹۱). بررسی فقهی حقوقی مسئولیت مدنی ناشی از تصمیمات قضایی (با نگاهی به برخی نظام های حقوقی). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

صالحی مازندارانی، محمد. (۱۳۸۴). تأملی بر مسئولیت مدنی قاضی در اصل ۱۷۱ قانون اساسی. فقه و حقوق، ۲(۷). صص ۱۳۳-۱۵۹.

عاملی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام (ج ۱۳). قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.

کاظمی محمود. (۱۳۹۱). اثر فعل زیان دیده بر مسئولیت مدنی عامل زیان. دیدگاه های حقوق قضایی. ۱۷(۵۷). صص ۷۹-۱۰۴.

کاظمی، محمود. (۱۳۸۴). آثار تقصیر زیان دیده بر مسئولیت مدنی. فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام. ۱۱(۲۸). صص ۱۰۹-۱۴۲.

کلینی محمد بن یعقوب. (۱۳۸۷). الکافی (ج ۱۴، ۱۷). قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.

محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۴۰۶ق). قواعد فقه (ج ۱، چاپ دوازدهم). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

مصطفوی محمد کاظم. (۱۴۲۱ق). القواعد الفقهية ۱، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.

مفید، محمد بن محمد (شیخ مفید). (۱۴۱۳ق). المقنعة. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.

مکارم شیرازی؛ ناصر. (۱۴۲۷ق). استفتاءات. قم: مدرسة الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام.

موسوی بجنوردی، محمد. (۱۳۷۹). قواعد فقهیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.

موسوی خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۴۲۲ق). مبانی تکملة المنهاج. قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام

الخوئی.

میرداداشی، سید مهدی. (۱۳۹۲). مبانی فقهی حقوقی مسئولیت مدنی. حقوق اسلامی. ۱۰ (۳۷).

صص ۱۲۱-۱۴۶.

نجفی، محمد حسن. (بی تا). جواهر الکلام. بیروت: دار إحياء التراث العربي.

یزدی، محمد. (۱۳۸۳). قسامه فقه اهل بیت علیهم السلام. ۱۰ (۳۷). صص ۲-۳۵.

یزدی، محمد کاظم. (۱۴۲۱ق). العروة الوثقی (ج ۵). قم: مؤسسة النشر الإسلامي.